

اشاره:

مشکلات و معضلات متعددی که عراق در زمینه سیاسی و نظامی با آنها مواجه شده، این کشور را در آستانه تحولی مهم قرار داده است. به نظر می‌رسد که از سه سناریوی محتمل برای آینده عراق، ایده تقسیم این کشور به سه ناحیه متفاوت قومی - مذهبی و استقلال کردستان رفته رفته مقبولیت و مشروعیت کسب می‌کند. اگرچه این سناریو هم موانع متعددی بر سر راه تحقق دارد، اما در قیاس با سناریوهای رقیب طرفداران بیشتری داشته و بازیگران بین‌المللی هم آن را مقبول تلقی می‌کنند. وقوع چنین سناریویی البته تبعات بسیار مهمی برای سراسر منطقه در بر خواهد داشت.

مقدمه

شده است. در جانب دولت، اختلافات بی‌پایان جناح‌ها و گروه‌های پارلمانی و حتی شیعی، هم بر روحیه نظامیان تأثیرات منفی گذاشته و هم اداره کشور را با مشکل و کندی مواجه گردانیده است. در عین حال حجم عظیم فساد در دستگاه حکومت عراق، با تغییر نخست‌وزیر سابق - نوری مالکی - رفع نشده و عراق بی‌شک یکی از فاسدترین حکومت‌های موجود - از نظر سازمان‌های بین‌المللی - شده است. در ساحت بین‌المللی هم، اختلافات همسایگان عراق بر سر آینده این کشور، اختلافات بازیگران جهانی و بین‌المللی (مثلاً اختلافات آمریکا و ایران در قبال مسائل عراق) موجب شده است که آینده این کشور تصویری مبهم و تیره و تار به نظر آید. در این نوشتار پس از بررسی سه سناریوی اصلی محتمل درباره آینده عراق، به عوامل مؤثر بر هر یک و تبعات هر کدام از آنها خواهیم پرداخت.

سناریوی اول: فروپاشی دولت عراق

برقراری حکومتی عادلانه و با مشارکت همه نیروهای عراقی - بدون توجه به مذهب و قومیت آنها - از اهداف اولیه تأسیس دولت پس از صدام بوده است. اما ناظران مسائل عراق معتقدند که در عمل حکومت اکثریت شیعی - به ویژه در دوره مالکی، فرقه‌ای و طایفه‌ای عمل نمود و به ویژه اهل سنت عراق را طرد و بیگانه کرد به گونه‌ای که ادعا می‌شود که یکی از دلایل اصلی قوت‌گیری داعش ناراضیاتی

وقتی پس از حدود دوازده سال از زمان سقوط حکومت صدام حسین به صحنه عراق نگرسته می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که گویی این کشور هیچگاه دیگر روی امنیت را نخواهد دید. نیروهای داعش از دو سال قبل بخش‌های وسیعی از کشور را به تصرف درآورده‌اند و به‌رغم همکاری ائتلاف بین‌المللی، بسیج مردمی، فتوای مرجعیت شیعی، حضور و مشارکت ارتش عراق دستاورد بزرگی عاید عراق نشده است و بسیاری از ناظران تردید دارند که نیروهای مسلح این کشور بتوانند در سال ۲۰۱۶ نیز به فتح موصل نایل آیند. در شمال، حکومت اقلیم کردستان با استفاده از فرصت حمله داعش و ضعف نیروهای نظامی دولت مرکزی، شهر محل مناقشه کرکوک، سنچار و مناطق وسیعی از سایر استان‌های چند قومیتی عراق را به تصرف درآورده و از زبان ریاست آن، چندین بار ضرورت برگزاری فراندوم برای استقلال کردستان مطرح

اهل سنت عراق بوده است. داعش عراق پیوند نزدیکی با بقایای حزب بعث دارد. حتی عده‌ای بر این اعتقادند که ظهور داعش ریشه در اقدامات سال‌های پایانی صدام حسین برای اسلامی کردن عراق (مثلاً درج الله اکبر در پرچم عراق یکی از نمادهای این اقدامات بود) دارد. به هر حال در شمایی که از سران رده بالای داعش در جریان حملات به مراکز داعشیان کشف شده، عناصر غیرعراقی در میان آنها نادر است که این نارضایتی را در تشکل‌هایی مثل «شورای سیاسی شورشیان قبایلی» عراق هم می‌توان مشاهده کرد. اهل سنت به ویژه خواستار اصلاح قانون بعثی‌زدایی و قانون گارد ملی هستند و معتقدند که حکومت عراق به بهانه‌های واهی از استخدام و جذب اهل سنت امتناع می‌کند. علاوه بر بیگانگی اهل سنت عراق، مسئله ظاهراً لاینحل داعش و برقراری حکومت در سراسر کشور هم معضل مهمی است که در ادامه بیشتر بدان اشاره خواهد شد. اما عامل بسیار مهم دیگر مسأله بحران مالی شدیدی است که با سقوط قیمت نفت گریبان‌گیر دولت و اقتصاد عراق شده است. ۹۰ درصد درآمد عراق، ۹۹ درصد صادرات این کشور و ۴۴ درصد تولید ناخالص داخلی آن از نفت است. در سال‌های گذشته با اتکای به افزایش شدید قیمت نفت، دولت عراق برنامه‌های مفصلی طراحی و نیروی زیادی در ادارات دولتی استخدام کرده که بسیاری از آنها نیروی کیفی نیستند. با اینکه میزان بودجه در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ پنج برابر شده است، همواره کسری بودجه ۲۰ درصدی وجود داشته است. برای سال ۲۰۱۶ بودجه ۹۹٫۶ میلیارد دلاری عراق با نفت هر بشکه ۴۵ دلار بسته شده که اکنون با قیمتی ۳۰ درصد کمتر از آن فروخته می‌شود و تخمین زده می‌شود که حداقل ۲۴ درصد کسری بودجه را به وجود خواهد آورد. بنابراین به‌رغم پیش‌بینی افزایش تولید نفت به حدود ۳/۶ میلیون بشکه در روز، دولت عراق با مشکلات مهمی مواجه است. دولت به حدود ۸ میلیون کارمند خود هشدار داده که به زودی دیگر قادر به پرداخت حقوق آنان نخواهد بود. چنین اوضاعی با افزایش آسیب‌های اجتماعی و رشد جرائم و خشونت‌ها همراه خواهد شد. میزان بالای فساد در دولت عراق هم مزید بر علت است. سازمان بین‌المللی شفافیت^۱ در سال ۲۰۱۴، عراق را از حیث میزان شفافیت و سلامت اقتصادی در رده ۱۷۰ از بین ۱۷۵ کشور بررسی شده، قرار داد. یک کمیسیون بررسی سوء استفاده‌ها و تخلفات تخمین می‌زند که حدود ۳۳۰ میلیارد دلار از ذخایر و منابع مالی دولتی مفقود شده است. این حجم

از فساد و حیف و میل اموال دولتی کم‌نظیر است. در واکنش به این اوضاع آشفته، آیت‌الله سیستانی از ناکارآمدی دولت، سوء مدیریت، حجم فساد مالی و اداری و اوضاع امنیتی انتقاد و اعلام کرده است که دولت به رهنمودهای مرجعیت شیعه بی‌توجه بوده و مثلاً این خواسته را که سلاح‌ها فقط باید در کنترل دولت و نیروهای نظامی آن باشند؛ یا اختلافات سیاسی در این شرایط حساس کنار گذاشته شود، مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو هدف از تصمیم آیت‌الله سیستانی مبنی بر اینکه از اعلام مواضع سیاسی خویش در نماز جمعه اجتناب کنند و نظرات را بر حسب اقتضائات بیان کنند، جلب توجه به وخامت اوضاعی است که در عراق جریان دارد. وخامت اوضاع در فروردین ماه به جایی رسید که مقتدی صدر از رهبران شیعی عراق و رهبر معنوی فراکسیون احرار در پارلمان این کشور، با برگزاری تجمعات اعتراضی و تهدید به حمله به منطقه سبز بغداد از دولت خواست تا حکومتی غیر طایفه‌ای، عاری از فساد و کارآمد تشکیل دهد. گرچه به نظر می‌رسد که ارائه کابینه پیشنهادی حیدر العبادی قبل از اتمام اولتیماتوم صدر، امیدهای کم‌سویی را موجب شده است، اما واکنش‌های منفی نسبت به این کابینه، انتظار موفقیت آن را تضعیف می‌کند.

به هر حال این عوامل عراق را به سمت فروپاشی و تبدیل شدن به دولت شکست‌خورده^۲ یا ورشکسته سوق می‌دهد. دولتی که نهادهای حساس آن یا سقوط کرده‌اند و یا کارآیی ندارند و خلأ قدرت ناشی از اقتدار دولتی را گروه‌های متنوع و متعدد با خط‌مشی‌ها، ایدئولوژی‌ها و به طور



2. Failed State

1. Transparency International

و ۵۰۰ هزار نیروی ذخیره هم در اختیار دارد اما در عمل نمی‌تواند در مقابل نیروهایی همچون داعش موفقیت مهمی کسب کند. حال آنکه هم از حیث سلاح و هم از جهت نفرات وضع بسیار بهتری نسبت به داعشی‌ها دارد. عده‌ای این ضعف روحیه را به جنگ قدرت در سطوح بالا و اختلافات عراق میان گروه‌های قومی ربط می‌دهند. با این حال به‌رغم امیدهایی که در پی توفیقات ارتش و حشد الشعبی در تصرف مجدد رمادی و پیشروی در هیت برمی‌انگیزد، در مجموع، ارتش صلابت اقدام فوری و سریع را بروز نمی‌دهد.

در شمای که از سران رده بالای داعش در جریان حملات به مراکز داعشیان کشف شده، عناصر غیرعراقی در میان آنها نادر است که این نارضایتی را در تشکلهایی مثل «شورای سیاسی شورشیان قبایلی» عراق هم می‌توان مشاهده کرد.

سوم؛ تسلط داعش بر منطقه وسیعی از عراق و چشم‌انداز مبهم آن مناطق، در فقدان نیرویی کارآمد که در مقابل این گروه وارد عمل شود، مشکل مهم دیگری است. گویی عراق چندتکه شده و در عمل هم فروپاشیده است زیرا حکومتی که نمی‌تواند بر همه سرزمین خویش اعمال حاکمیت کند، با بحرانی جدی و حیاتی مواجه است. باید به نکات فوق عنصر تضعیف هویت ملی عراق را هم افزود. گرچه بعضی ناظران معتقدند که هویت عراقی جعلی بوده (همه هویت‌ها به یک اعتبار جعلی‌اند) و اینک فروپاشیده است، اما به نظر می‌رسد که درگیری‌های فرقه‌ای باعث شده که در سوریه و عراق افراد، بیشتر هویت خویش را با مذهب (شیعه - سنی) یا قومیت (عرب، کرد، ترکمن و...) تعریف کنند و این مشکلی برای آینده عراق و سوریه خواهد بود و این سوال را مطرح می‌کند که آیا تأسیس و تعریف مجدد چنین هویتی با همه ضعف‌های موجود عملی است؟

خلاصه دستور کارهای مختلف پُر می‌کنند. این سناریو بدترین سناریوی ممکن است و بعید به نظر می‌رسد که هیچ یک از کشورهای منطقه یا قدرت‌های بین‌المللی مایل به وقوع آن باشند. تحلیل‌گران غربی هشدار می‌دهند که تعداد دولت‌های شکست‌خورده در منطقه خاورمیانه رو به فزونی است (علاوه بر عراق، لیبی و احتمالاً سوریه را هم باید به این فهرست اضافه کرد) و آمریکایی‌ها و غربیان باید استراتژی مشخص و جدیدی برای برخورد با این پدیده طراحی و اتخاذ کنند. وقوع چنین سناریویی، بی‌ثباتی و خشونت را در سراسر منطقه دامن خواهد زد.

سناریوی دوم: دولت دموکراتیک، کارآمد و چندقومیتی

شاید بتوان ایران و آمریکا را اصلی‌ترین طرفداران سناریوی برپایی دولت دموکراتیک و چندقومیتی در عراق دانست. البته عموم دولت‌های منطقه و همسایه عراق - حداقل در سطح شعار و کلام - طرفدار این سناریو هستند، اما به نظر می‌رسد که این سناریو با موانع مهمی روبرو است:

نخست؛ دولت عراق طی دوازده سال نتوانسته است حکومتی به وجود آورد که خدمات اصلی و اولیه از جمله امنیت را به وجود آورد و تمامیت ارضی کشور را تضمین نماید.

دوم؛ ارتش عراق ضعیف عمل کرده است. انحلال ارتش بعث، اشتباه مهمی بود زیرا ارتش جدیدی که تأسیس شد با مشکلات مهمی چون حرفه‌ای نبودن و دخالت عناصر فسادآلوده، همراه بود که از این رو نیروهای کارآمدی از آن حاصل نشد. ارتش متشکل از ۲۵۰ هزار پرسنل منظم است



علیه دموکراسی عمل می‌کند. لذا این سناریو در کوتاه مدت محتمل به نظر نمی‌رسد.

سناریوی سوم: تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان

در اوایل بهمن کنفرانسی از نمایندگان احزاب، نهادهای مدنی، فعالان مطبوعاتی، و کلاء و... گُرد در شهر دیاربکر ترکیه برگزار شد. در بیانیه نهایی آن توصیه‌ها و درخواست‌های متعددی گنجانده شده بود و از جمله بر این نکته تأکید شد که «کردستان جنوب (اقلیم) باید فرصت تاریخی استقلال را مغتنم شمارد و بدین سمت حرکت کند». این جملات را می‌توان عصاره موضع‌گیری‌ها و ایده‌های اکثریت قریب به اتفاق فعالان سیاسی، نظامی و فرهنگی گُرد دانست. آنچه رسانه‌های اروپایی و آمریکایی از آن به تحقق رویای دیرینه استقلال کردستان تعبیر می‌کنند، به زبان مسعود بارزانی، در گفتگو با سی‌ان‌ان، زمان تحققش فرارسیده است. بارزانی در سال‌های اخیر در فرصت‌های مختلف ایده برگزاری فراندوم استقلال کردستان (یا ماندن در ترکیب عراق) را مطرح کرده است. برای مثال در مصاحبه فوق‌الذکر بارزانی (۲۰۱۴) مدعی است که عراق از ده سال قبل تا کنون هیچ پیشرفتی در روند دموکراسی نداشته است و در مصاحبه‌ای جدیدتر (۳ فوریه ۲۰۱۶ / ۱۴ بهمن ۹۴) ابراز داشته که کردها، تلاش خود را برای دموکراتیزه کردن عراق به عمل آورده‌اند و اینک که عراق در آستانه فروپاشی است، کردها مقصر نیستند. وی همچنین گفته است که در گذشته یک فراندوم غیررسمی برگزار شده و ۹۰ درصد

به نظر می‌رسد که تحقق چنین سناریویی در عمل، مستلزم گشایش در حداقل دو حوزه است. پیروزی بر داعش و تحکیم حاکمیت ملی در همه نقاط کشور و بهبود در اوضاع اقتصادی که مستلزم افزایش قابل ملاحظه قیمت نفت است. در مورد نخست، با توجه به مشکلات موجود و اختلاف نظرهای اساسی ایران و آمریکا به عنوان متحدان دولت عراق، پراکندگی و خودسری‌های نیروهای مردمی (حشدالشعبی) و ناهماهنگی آنها با ارتش عراق، پیروزی فوری دور از انتظار به نظر می‌رسد. در خصوص مورد دوم، با سپری شدن فصل زمستان و خصومت عربستان با ایران و دولت عراق، بعید به نظر می‌رسد که تحول مهمی رخ دهد و با کاهش میزان تولید، تعادلی در قیمت‌ها به وجود آید.

معرفی کابینه جدید عبادی در فروردین ماه هم، یکی از موانع مهم بر سر راه این سناریو را آشکار می‌کند: وی استدلال می‌کند که از تکنوکرات‌ها استفاده کرده و افراد کارآمد و متخصص را بی‌توجه به حزب یا تعلقات‌شان انتخاب کرده است. واکنش منفی احزاب کردی (که حداقل ۳۰ درصد اعضای کابینه را طلب می‌کنند)، احزاب شیعی و حزب موطن عمار حکیم (با این استدلال که برای تشکیل کابینه با آنها مشورت نشده است)، و احزاب سنی (که ۳۳ درصد کابینه را می‌طلبند) نشان می‌دهد که حتی در صورت موفقیت در کسب رأی از پارلمان این حکومت چندان موفق نخواهد بود. زیرا چنین حکومتی شکننده و آسیب‌پذیر بوده و هرآن احتمال سقوط آن وجود خواهد داشت. یکی از دلایل این دعوی، انصراف نزار سالم النعمان کاندیدای گُردتبار پُست وزارت نفت از تصدی این مقام بود که گفته می‌شود تحت فشار رهبران کرد صورت گرفته است. به طور کلی ساختار حکومت طایفه‌ای عراق را می‌توان یکی از معضلات اساسی این کشور دانست. این ساختار همواره حکومتی ائتلافی به وجود می‌آورد که شکننده و ضعیف بوده و باعث سهم‌طلبی‌هایی می‌شود که به فساد دامن می‌زند؛ همچنین ساخت طایفه‌ای موجب کندی و سستی حکومت و عکس‌العمل و اقدام دیر هنگام می‌شود؛ و در نهایت ساخت مزبور شکاف‌های هویتی را تعمیق و تشویق می‌کند. نتیجه آنکه رسیدن به رشد اقتصادی، برقراری امنیت و ثبات، مبارزه مؤثر با داعش و تروریسم، حفظ وحدت عراق و حتی تعمیق دموکراسی در این کشور، محتاج بازسازی کامل و تمام عیار ساختار سیاسی این کشور و رفع امتیازات و دسته‌بندی‌های طایفگی و مذهبی است. زیرا این قسم از دموکراسی به طرز پارادوکسیکال

مردم به استقلال، رأی داده‌اند.

در اینکه عموم احزاب کرد به استقلال کردستان تمایل دارند و اکثریت جامعه کردی از استقلال استقبال خواهد کرد، تردیدی وجود ندارد، به ویژه با تحولاتی که پس از ظهور داعش به وقوع پیوسته است. کردها با استفاده از فرصت فرار نیروهای ارتشی، شهر کرکوک را که مدعی آن بودند و برای استقلال و تداوم حیات کردستان به نفت آن احتیاج مبرم وجود دارد، به تصرف درآورده‌اند. شهر و منطقه سنجان را از تصرف داعش خارج کردند و بخش‌هایی از مناطقی را که مدعی الحاق به کردستان بودند (از استان‌های صلاح‌الدین، ریاله و نینوا) در سیطره خود گرفتند. اگرچه بسیاری از این مناطق مانند کرکوک، به صورت کامل و منسجم کردنشین نیستند اما مسئله فراندوم الحاق کرکوک به کردستان که مدت‌ها موضوع اختلاف دولت مرکزی و اقلیم بود، از نظر بارزانی حل شده است.

فارغ از دیدگاه بارزانی و احزاب کرد به نظر می‌رسد که عوامل متعددی موید امکان استقلال کردستان بوده و عوامل چندی هم از موانع آن به شمار می‌آیند. ضمن آنکه تجزیه عراق حداقل در مقام تئوری می‌تواند به دو شکل باشد؛ اول حکومتی کردی و حکومتی عربی و شکل دوم تقسیم عراق به سه منطقه شیعه‌ستان، سنی‌ستان و کردستان. در حوزه مباحث عراق عمدتاً این حالت دوم مورد بحث قرار می‌گیرد و گویی فرض بر این است که اعراب شیعه و سنی هم نمی‌توانند در کنار همدیگر زندگی کنند. شواهد این امر را علاوه بر درگیری خونبار و بمب‌گذاری‌های انتحاری در مراکز دینی شیعیان و همچنین رفتار شیعیان و نیروهای مسلح آنها با اهل

سنت ذکر می‌کنند. برای مثال به گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سپتامبر سال ۲۰۱۴ شیعیان پس از اخراج داعش از آمرلی به حدود سی روستای سنی‌نشین حمله کرده و آنها را ویران کرده‌اند. براساس گزارش همین سازمان نیروهای شیعی در شرق کشور (مقدادیه) اقدام به ربودن و قتل اهل سنت کرده و خانه‌های آنها را تخریب می‌کنند (این نیروها از گروه بدر و عصاب اهل حق عنوان شده‌اند). مشابه این مدل در اظهارات جو بایدن (معاون باراک اوباما) مطرح شده است. به زعم وی مدل بوسنی برای کنترل جنگ عراق مفید است. (صلحنامه دیتون و برقراری تفکیک نژادی) وی مدعی است که فدرالیسم موردنظر وی، برای سنی‌ها هم گزینه مناسبی خواهد بود. عوامل یاری‌دهنده تجزیه عراق را می‌توان به شرح زیر دانست:

۱. تفرقه و گسستگی در جامعه عراق: جامعه عراق، به ویژه به علت جنگ و منازعات داخلی اینک یکپارچگی خود را از دست داده است. نه فقط بی‌اعتمادی بین جامعه اهل سنت و شیعیان و کردها به وجود آمده که به نظر می‌رسد اساساً این گروه‌ها حامیان و طرفداران جداگانه‌ای دارند. در حالیکه کردها به حمایت آمریکا و اروپاییان پشت‌گرم‌اند، ایران طرفدار و سازمان‌دهنده حکومت اکثریت شیعی و سازمان‌های مردمی مسلح اساساً شیعه است و عربستان و احیاناً بعضی کشورها از جنگجویان سنی و قبایل اهل سنت حمایت می‌کنند. این امر واگرایی و تفرقه در عراق را تشدید می‌کند. در این میان عشایر اهل سنت عراق مدعی بوده‌اند که حکومت مرکزی آنها را در مقابل داعش تسلیح نمی‌کند و آنان را با امکانات ناچیز در مقابل این گروه رها کرده است. تشکیل گروه حشدالوطنی در نینوا و موصل که ترکیه نیز از آنها حمایت می‌کند، و نیروهای خود را به این دلیل به کمپ بعشیه فرستاده است، بخشی دیگری از این شکاف را آشکار می‌کند. دعوی مشابهی را هم کردها مطرح کرده‌اند و معتقدند که پیشمرگه نه فقط به سلاح‌های سنگین مجهز نیست، بلکه اسلحه کافی برای جنگیدن هم ندارد. تلاش کنگره آمریکا برای ارائه کمک مستقیم به اهل سنت و اکراد باعث مخالفت دولت عراق و شخص حیدر العبادی و طرح محکومیت آن در مجلس عراق شد، طرحی که در جریان بحث در مورد آن نمایندگان سنی و کرد، پارلمان را ترک کردند. کمک‌های تسلیحاتی آمریکا و اروپا به کردها (به ویژه ارسال سلاح آلمان)، که اینک سر از بازارهای سیاه در آورده و یا در خاک ترکیه و در دست پ.ک.ک کشف شده است، یکی از مظاهر حمایت افکار عمومی غربی از کردهاست، امری که از علل تمایل بارزانی به

برگزاری فراندوم هم محسوب می‌شود. به هر حال آمریکا، در مقابل کردها و سنی‌ها، نظر مساعدی نسبت به نیروهای مردمی شیعی ندارد و بعضی از آنها را هنوز در لیست گروه‌های تروریستی حفظ کرده است. در واقع آمریکا این نیروها را تحت نفوذ و اداره ایران ارزیابی می‌کند. این در حالی است که تلاش عبادی برای برقراری تعادل بین ایران و آمریکا، موفق به نظر نمی‌رسد.

۲. فضای مساعد بین‌المللی؛ کردها به ویژه از مسئله مقاومت در کوبانی / عین‌العرب به خوبی استفاده کرده‌اند و در افکار عمومی اروپایی و آمریکایی، خود را به عنوان گروهی سکولار و متمایل به غرب و قابل اعتماد نشان داده‌اند. به همین دلیل حتی از وجود لابی کردی در آمریکا سخن به میان می‌آید. مبارزه مؤثر کردها با داعش و نیروهای رادیکال مشابه، نگاه‌ها به گروه‌ها و جریان‌های کردی را هم تحت تأثیر قرار داده است. گروه‌ها و احزابی که خواستار خروج پ.ک.ک از لیست گروه‌های تروریستی بوده‌اند، روبه افزایشند. این در حالی است که قبل از آن هم حزب پ.ی.د^۱ یعنی شعبه سوری پ.ک.ک.ک توسط آمریکایی‌ها به عنوان گروهی مشروع و حتی دوست و متحد به رسمیت شناخته شده است. بارزانی هم در مصاحبه‌هایش به این نکته اشاره می‌کند که عموم رهبران غربی و حتی منطقه‌ای با استقلال کردستان مخالفت نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که مشروعیت ناشی از مبارزه با داعش برای بارزانی و استقلال‌طلبی او مفید بوده و در مقابل برای ترکیه (که مایل به قدرت‌گیری احزاب کردی مایل به پ.ک.ک.ک در سوریه نیست) دردسر مهمی تولید کرده است. بنیامین نتانیاهو نیز در نوبت‌های متعددی گفته است که کردها ملتی جنگنده‌اند که حق و ارزش استقلال را دارند. البته از نظر اسرائیلی‌ها، قدرت‌گیری نیروهای غیرعربی و تضعیف کشورهای عرب نشانه مثبتی است و آنها همواره از آن حمایت کرده‌اند.

۳. اوضاع مساعد داخلی؛ در صحنه داخلی عراق، قدرت مرکزی ضعیفی وجود دارد که قدرت مقابله با داعش را ندارد. اختلافات عمیق شیعی و سنی بارز است و حتی بعضی از گروه‌های اهل سنت معارض، مثل شورای سیاسی شورشیان قبایل از استقلال کردستان حمایت کرده و آن را حق این گروه قومی دانسته‌اند. تضعیف هویت ملی عراق مورد اذعان همگان است و جان برنان رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) هم آن را مورد تأکید قرار داده است. از طرف دیگر اقلیم کردستان، سابقه بیش از ۲۰ سال خودمختاری

و حدود ۱۰ سال استقلال دوفاکتو دارد؛ از نیروهای نظامی قابل ملاحظه‌ای (تعداد پیشمرگه‌ها حدود ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود) برخوردار است؛ منبع درآمد نسبتاً مستقل و قابل توجهی (به ویژه با تصرف کرکوک) در اختیار دارد؛ حتی دینار عراقی آن هم متفاوت است؛ پرچم، پارلمان و حکومت جداگانه‌ی دارد و مهم‌تر از اینها حمایت توده مردم از ایده استقلال در آن مشهود است. بنابراین ناظران معتقدند که برخی بحران‌ها و معضلات ممکن است باعث تأخیر در برگزاری فراندوم شود ولی، همانطور که بارزانی به تأکید گفته است، دیر یا زود این حادثه پیش خواهد آمد. در واقع حکومت اقلیم در تمام این مدت زیرساخت استقلال را فراهم می‌کرده است. برای مثال مطابق گزارش یکی از نهادهای بین‌المللی (عفو بین‌الملل)، حکومت مزبور خانه‌های اعراب را به بهانه آنکه از داعش حمایت کرده‌اند، در مناطقی که محل مناقشه بوده و رسماً خارج از قلمرو اقلیم محسوب می‌شوند، تخریب کرده است تا دموگرافی منطقه را به نفع کردها تغییر دهد (در نینوا، کرکوک و دیاله)، درگیری خونبار شیعیان و کردها پس از آزادسازی منطقه ترکمن‌نشین طوزخورماتو یکی دیگر از جلوه‌های این آماده‌سازی زیرساخت استقلال است.

به رغم نکات فوق بعضی عوامل هم علیه استقلال کردستان و تجزیه عراق در جریان است:

۱. اساساً برخی معتقدند که هدف بارزانی از طرح مسئله فراندوم استقلال، سرپوش نهادن به برخی مشکلات است که مهم‌ترین آنها پایان دوران ریاست او بر اقلیم است. مدت ریاست بارزانی رسماً

به لحاظ بنیان اقتصادی نیز بسیار ضعیف است و عمدتاً وابسته به پولی است که از دولت مرکزی عراق و حیثاً صادرات نفت از طریق ترکیه عاید می‌شود. این مشکلات ممکن است باعث تأخیر در برگزاری رفراندومی شود که هنوز تاریخی برای آن مشخص نشده است.

جامعهٔ عراق، به ویژه به علت جنگ و منازعات داخلی اینک یکپارچگی خود را از دست داده است. نه فقط بی‌اعتمادی بین جامعه اهل سنت و شیعیان و کردها به وجود آمده که به نظر می‌رسد اساساً این گروه‌ها حامیان و طرفداران جداگانه‌ای دارند. در حالیکه کردها به حمایت آمریکا و اروپاییان پشت‌گرم‌اند، ایران طرفدار و سازمان‌دهنده حکومت اکثریت شیعی و سازمان‌های مردمی مسلح اساساً شیعه است و عربستان و حیثاً بعضی کشورها از جنگجویان سنی و قبایل اهل سنت حمایت می‌کنند.

۳. مخالفت همسایگان؛ کشورهای همسایهٔ اقلیم خود اقلیت مهمی از اکراد دارند و از همین رو نگرانند که استقلال کردستان، اثرات مشابهی در داخل خاک خودشان داشته باشد. در این میان سوریه درگیر بحرانی حیاتی است و تلاش بارزانی برای ایجاد جای پای در آنجا، با مقاومت و قدرت‌گیری پ.ک.ک و متحدانش ناموفق مانده است. همین نکته نشان می‌دهد که بارزانی ممکن است از ایدهٔ کردستان بزرگ، دست کشیده و به استقلال اقلیم بسنده کند زیرا آن ایدهٔ بزرگ، عملی به نظر نمی‌رسد. پ.ک.ک حتی در اقلیم هم‌گاه در مقابل بارزانی قرار می‌گیرد. ایران ظاهراً به سه دلیل با استقلال کردستان موافق نیست. یکی تأثیری است که این امر بر کردهای ایران می‌تواند داشته باشد. دیگری آنکه، تصور می‌رود که این پروژه اسرائیلی - آمریکایی است و به نفع این کشورها و ترکیه خواهد بود. به عبارت دیگر حکومت اقلیم مستقل به آمریکا، ترکیه و اسرائیل نزدیک خواهد شد و این برای ایران مطلوب نیست. نکته سوم هم به ادعای هلال شیعی بر می‌گردد زیرا تصور می‌رود که

در سال ۲۰۱۳ به پایان می‌رسید، اما احزاب کرد توافق کردند تا رفراندوم و انتخابات ریاست‌جمهوری جدید دو سال به تعویق افتد. این مدت هم در سال ۲۰۱۵ به اتمام رسید. بنابراین بارزانی، در شرایط عادی باید امکان کاندیداتوری نمی‌داشت. اما با بحران داعش و طرح رفراندوم، افکار عمومی به مسائل دیگری مشغول شده‌اند. پیش‌تر هم ادعا شده بود که بارزانی با طرح رفراندوم به دنبال دریافت امتیازات از دولت عراق است. بحران اقتصادی و مشکلات آن هم می‌تواند از دلایل طرح مسئله به قصد انحراف افکار عمومی تلقی شود. گرچه این عوامل را نمی‌توان مردود شمرد، اما اگر توافق عمومی احزاب کرد و جامعه کردی را در نظر بگیریم، رفراندوم را فقط خواسته یا استراتژی شخص بارزانی نباید به حساب آورد.

۲. بحران اقتصادی اقلیم؛ در واقع فقط دولت عراق نیست که در آستانهٔ ورشکستگی است، بلکه حتی اقلیم را هم می‌توان منطقه ورشکسته تلقی کرد. بعد از افول رشد منطقه از ۸ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۳ درصد در سال ۲۰۱۴ بانک جهانی اعلام کرد که اقلیم حداقل ۱/۴ میلیارد دلار برای ایجاد ثبات اقتصادی نیاز دارد. بحران ناشی از افول قیمت نفت و دشواری‌های جنگ با داعش باعث کاهش پرداخت‌ها و حتی به تعویق افتادن حقوق پیشمرگه‌ها شده است. گزارش‌هایی وجود دارد که بعضی از پیشمرگه‌ها، سلاح‌های خود را برای تأمین معاش یا مهاجرت و کسب پناهندگی در بازارهای سلاح می‌فروشنند. نچیروان بارزانی در ماه اخیر گفته است که بحران شدید مالی حتی خطرناک‌تر از هجوم داعش است. البته اقلیم

تجزیه عراق، ارتباط شیعیان با سوریه را قطع خواهد کرد و هلال شیعی ناقص خواهد ماند.

در خصوص ترکیه، به طرز پارادوکسیکال به نظر می‌رسد که حکومت این کشور چندان نگران از تجزیه عراق و استقلال کردستان نیست. اگرچه مقامات ترکیه همواره از تمامیت ارضی عراق حمایت کرده‌اند و در گذشته بیشترین مخالفت را با خودمختاری و استقلال اقلیم نشان داده‌اند، اما اینک روابط گرمی با حکومت محلی کردستان برقرار کرده‌اند به گونه‌ای که در حال حاضر بزرگترین شریک اقتصادی و سرمایه‌گذار در این منطقه محسوب می‌شوند. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که ترکیه تلاش کرده تا اقلیم را وابسته به خود کند (از طریق خطوط لوله، سرمایه‌گذاری و برقرار ارتباط بین اقلیم و جهان خارج) و لذا از پتانسیل ایجاد ناامنی آن بکاهد. ادعا می‌شود که بارزانی قول مبارزه با پ.ک.ک در شمال عراق را داده و یا موافقت کرده است که ترکیه از کرکوک استفاده کند. گرچه چنین وعده‌هایی - به فرض وجود - در عالم سیاست چندان اعتباری ندارند و بعید است که مقامات ترکیه بدان‌ها اکتفاء کنند، اما ظاهراً مقامات ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که اقلیم توان تأثیرگذاری کمتری بر مسائل کردهای ترکیه دارد. به این نکته تفاوت فرهنگی کردهای ترکیه و عراق را هم باید اضافه کرد (به عنوان مثال کردهای عراق به سورانی تکلم می‌کنند ولی کردهای ترکیه اکثراً کرمانجی هستند). بنابراین ترکیه چندان نگران از استقلال کردستان به نظر نمی‌رسد. عربستان هم از تمامیت ارضی عراق حمایت کرده است و به احتمال زیاد مخالف تجزیه است، زیرا این امر نزدیکی شیعیان عراقی به ایران و احتمالاً اتحاد با ایران را بیش از پیش محتمل خواهد کرد. این در حالی است که قطع ارتباط بین اعضای آنچه ملل شیعی می‌خواند، برای این کشور گزینه برتر خواهد بود. اگرچه عربستان ایزاری هم برای ممانعت از این اقدام در اختیار ندارد.

اگر به نکات فوق وجود جمعیت قابل ملاحظه پناهندگان (حدود یک سوم جمعیت اقلیم) را در منطقه و همین‌طور دشواری‌های اقلیم در مقابله با گروه‌هایی مثل داعش در آینده را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که مجموعاً این عوامل فقط باعث ایجاد تأخیر در اعلام و بحران فراندوم می‌شوند و مانع این روند نخواهند شد. بنابراین در مجموع از سه سناریوی فوق، سناریوی تجزیه (و یا شاید تجزیه و فروپاشی همزمان) محتمل‌تر به نظر می‌آید و ممکن

است نقشه منطقه خاورمیانه را به طور کامل دگرگون کند.

نتیجه‌گیری

از سه سناریوی محتملی که برای آینده نزدیک و میان‌مدت عراق قابل تصور بود؛ یعنی فروپاشی عراق تجزیه این کشور و اقلیم کردستان و برقراری حکومتی دموکراتیک و کارآمد، احتمال تجزیه عراق، قوی و جدی‌تر به نظر می‌رسد. زیرا از یک طرف دولت عراق دچار ضعف مفرط بوده و با مشکلات هولناک اقتصادی، فساد سیاسی و اداری دست و پنجه نرم می‌کند و از طرف دیگر، در مقابله با داعش تا کنون به نتیجه مطلوبی دست نیافته است و سیمایی از یک دولت شکست خورده را ترسیم کرده است، و همچنین اقلیم کردستان به دلیل مبارزه مؤثر با داعش، محبوبیت و مشروعیت بین‌المللی کسب کرده است. موانعی که بر سر راه استقلال کردستان وجود دارد، مثل مخالفت همسایگان یا بحران اقتصادی، عواملی گذرا و موقت به نظر می‌رسند. آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، احتمالاً اعلام فراندوم - با لحاظ کردن تأخیر در آن - و چنین نتیجه قطعی آن برای استقلال است. چنین حادثه‌ای معادلات خاورمیانه را دچار تغییر اساسی خواهد کرد و ممکن است نقشه منطقه را دگرگون کند. این در حالی است که احتمال وقوع هم‌زمان دو سناریوی فروپاشی و تجزیه منتفی نیست.

